

تحلیل مفهوم قرآنی «فتنه» با تأکید بر آیه هفت

سوره آل عمران

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۲۰

سید ابراهیم مرتضوی؛ دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک (نویسنده مسئول)
زهره زارعی؛ دانشجوی کارشناسی علوم قرآنی، دانشکده علوم قرآنی ملایر

چکیده

واژه «فتنه» در آیات زیادی به کار رفته و معانی مختلفی به خود گرفته است. آیه هفت آل عمران نیز یکی از این آیات محسوب می‌شود که تعبیر «فتنه جویی» را در خود جای داده و آن را یکی از دلایل پیروی از مشابهات عنوان کرده است. «فتنه» در اصل لغت به معنای قرار دادن طلا یا نقره در آتش است تا خالصی و ناخالصی آن به دست آید. معانی لغوی متعددی برای این واژه ذکر گردیده که همه آنها از مصادیق آن به شمار می‌آید؛ اما «اختلال اضطراب آور» مفهومی است که در تمامی این معانی نهفته است. پژوهش فرارو با روشی توصیفی - تحلیلی به تحلیل مفهوم قرآنی فتنه با تأکید بر آیه هفت سوره آل عمران پرداخته است، نتیجه آنکه: مفسران معانی متعددی برای این واژه ذکر کرده‌اند که بیشتر این معانی، در واقع از مصادیق واژه مزبور محسوب می‌شوند که عبارت‌اند از: کفر و شرک، مال و ثروت، گمراهی، تکذیب کردن، فساد ذات البین. معانی دیگری که برای آن ذکر شده مکمل یکدیگرند: شبهه افکنی، تشکیک و تلبیس، روش‌های فتنه جویی را ذکر و اضلال و دور کردن مردم از دین، نیز مفهوم آن را بیان می‌کند.

کلید واژه‌ها: فتنه، مصادیق فتنه، آیه هفت سوره آل عمران، واژگان قریب المعنی با فتنه.

۱. طرح مسأله

قرآن مجید به عنوان آخرین کتاب آسمانی منزّه از تحریف، افزون بر هزار و چهارصد سال هدایتگر بشر است. در این مدت، هر یک از اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان با نگاهی خاص و متمایز از هم، به آیات الهی نگریسته و از زوایای مختلف به آن پرداخته‌اند. وجود تفاسیر متعدد نشان دهنده اهتمام ویژه مسلمانان به این کتاب شریف است. با وجود این، نگارش تفاسیر گوناگون سبب شده است که معانی برخی از واژگان در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد و مفهوم درست واژه پنهان بماند. فتنه نیز از جمله این مفاهیم محسوب می‌شود. این واژه در آیات متعدد به کار رفته و معانی مختلفی برای آن ذکر شده است. آیه هفتم سوره آل عمران نیز که تعبیر «ابتغاء الفتنه» در آن آمده، از این امر مستثنا نیست. درباره واژه شناسی فتنه مقالات متعددی نگاشته شده است و از انحاء مختلف اجتماعی، دینی، سیاسی و ابعاد دیگر به آن پرداخته‌اند؛ مقالاتی مانند: مختصات فتنه در نهج البلاغه اثر ابوالفضل تقی پور، در دو فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌نامه علوی، دوره ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۵، فتنه و علل فتنه‌ها از محمد شریفی، در مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، شماره ۹، زمستان ۱۳۹۳، فتنه از دیدگاه امام علی تألیف نقی غیائی، در فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تفسیری، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹، شگردهای فتنه‌گران از منظر قرآن و روایات از محمد جواد سلمان پور، در مجله حسنا، شماره ۲۴، بهار ۱۳۹۴؛ راهکارهای مبارزه با فتنه‌های اجتماعی از علی حاجی خانی، در پژوهشنامه معارف قرآنی (آفاق دین) سال چهارم زمستان ۱۳۹۲ شماره ۱۵، رسم شبکه معنایی واژه فتنه و مترادفات آن در قرآن از خیریه عچرش، در فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۹۴ و ... اما بررسی مفهومی آن با تأکید بر آیه هفتم سوره مبارکه آل عمران و از نگاه فریقین در مقاله‌ای صورت نگرفته است.

در جستار فرارو، با روش توصیفی- تحلیلی ابتدا به تبیین معنای لغوی فتنه پرداخته می‌شود، سپس مقایسه‌ای میان این واژه با واژگان قریب المعنی صورت گرفته و در نهایت مفهوم اصطلاحی و معنای آن با تأکید بر آیه هفتم سوره آل عمران از دیدگاه مفسران شیعه و سنی بیان می‌گردد.

۲. فتنه از منظر لغت:

فتنه در اصل لغت به معنای قرار دادن طلا و نقره در آتش است تا خالصی و ناخالصی آن به دست آید (فیومی، ۱۴۰۵ق: ۴۶۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۸ق: ۳۷۳) سپس در لغت و آیات شریفه قرآن بر معانی بسیاری اطلاق شده است (شعرانی، بی‌تا: ۷۶). معانی این واژه عبارت‌اند از: سوزاندن چیزی در آتش، اختصار و آزمایش (ابن فارس، ۱۴۹۴ق: ۴۷۲/۴؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۱۲۷/۸؛ جوهری، ۱۳۹۹ق: ۲۱۷۵/۶)، ابتلاء و امتحان (ابن منظور، ۱۴۰۸ق: ۱۷۸/۱۰؛ طریحی، ۱۴۱۶ق: ۱۳۶۰/۳؛ ازهری، ۱۴۲۲ق: ۲۷۴۱/۳-۲۷۳۸)، گمراه کردن، عذاب، شرک، اختلاف در دیدگاه‌ها و جنون (فیروزآبادی، ۱۴۱۲ق: ۳۶۰/۴)، نوع، وضعیت و حالت چیزی و بازگرداندن از حق (ابن منظور، ۱۴۰۸ق: ۱۷۹/۱۰). برخی نیز معتقدند آنچه موجب اختلال همراه با اضطراب گردد، فتنه نامیده می‌شود که دارای مصادیقی است مانند: اموال، اولاد، اختلاف در دیدگاه‌ها، یاوه‌گویی و... (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۳/۹).

۳. واژگان قریب المعنی با فتنه و بیان تفاوت میان آنها:

۱-۳. اختصار:

اختبار از ماده خبر به معنای «دانستن و اطلاع پیدا کردن به طور کامل» است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۲۵/۹). ابوهلال عسکری می‌گوید: «ان الفتنة اشد الاختبار و

ابلقه»(عسکری، ۱۴۱۲ق: ۳۹۶). دو دیدگاه مطرح شده، به نوعی در مقابل هم قرار دارند.

۲-۳. ابتلاء:

از ماده بلو به معنای ایجاد تحول و دگرگونی است(مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳۳۶/۱) یا از ریشه بلی به معنای کهنه شدن است. امتحان را از آن جهت ابتلاء می‌گویند که گویا ممتحن، امتحان شده را از کثرت امتحان کهنه می‌کند(قرشی، ۱۳۷۱: ۲۲۹/۱).

۳-۳. امتحان:

از ریشه محن است. محن به معنای آزمایش کردن است، چنانکه در آیه شریفه ﴿وَلَيْكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لَلتَّقْوَى﴾ (حجرات: ۳) آمده است. برخی گفته‌اند: مراد از امتحان در آیه عادت دادن است، یعنی آنان کسانی‌اند که خدا قلوبشان را بتقوی عادت داده است ﴿إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ﴾ (ممتحنه: ۱۰): «آزمایش کنید و ببینید که واقعا مؤمن‌اند یا نه؟». این کلمه دو بار بیشتر در قرآن نیامده است(قرشی، ۱۳۷۱: ۲۴۱/۶). معنای استمرار و جدیت در عمل برای کسب اطلاع و رسیدن به نتیجه، معنای دیگری است که برای آن ذکر کرده‌اند. به کار بردن هریک از این معانی در معنای کلمه دیگر صحیح نیست مگر اینکه به صورت مجاز باشد؛ اما هریک از این معانی در مقام استعمال و تفسیر در کلام عرب به کار رفته‌اند. اگر قیود آن معنا لحاظ شود، کاربرد آن اشکالی ندارد. وقتی گفته می‌شود: اختبرت الذهب و ابتلیه و امتحنته و افتنته، اولی به لحاظ مطلق آگاهی یابی است و دومی به لحاظ وجود تحول و دگرگونی در آن و سومی

توجه به استمرار و کوشش است تا دانستن صورت گیرد و چهارمی به لحاظ ایجاد اختلال و اضطراب در آن است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۵/۹)

۳-۴. فساد و تباهی:

در لغت آن را ضد صلاح گویند. راغب آن را خروج شیء از اعتدال معنا می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۶۳۶). فساد هر گونه نابسامانی و خرابی نظامات مختلف اجتماعی را شامل می‌شود، مخصوصاً ریخته شدن خون بی‌گناهان و ناامنی و مانند آن‌ها (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳۲۲/۷).

۳-۵. ضلال و اضلال:

اصل معنای ضلال و اضلال، هلاک شدن و هلاک کردن است (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ۷۱/۱؛ عسکری، ۱۴۱۲ق: ۳۹۶). راغب گوید: ضلال به هر عدول و انحرافی از راه مستقیم، عمدی باشد یا سهوی، کم باشد یا زیاد، گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳۶۵/۲).

۳-۶. احراق:

در عباراتی مانند: «فنتت الذهب (الفضّه)» «إذا أدخلتها في النار لتتميز الردى من الجيد» و «احراق طلا یا نقره در آتش به قصد ابتلاء و اختبار»، فتنه به معنای احراق آمده است که شاهدی قرآنی نیز دارد: ﴿يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ﴾ (ذاریات: ۱۳) (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۲۴ق: ۱۲۷/۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴۲۷/۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۲۳/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۱۷/۱۳ و طریحی، ۱۳۷۵: ۲۹۱/۶). اما برخی از لغویون گفته‌اند که نامیدن فتنه به احراق به لحاظ این است

که در نظم شیء سوخته شده، اختلال و اضطراب پدید می‌آید و این مفهوم از ریشه فتنه نیست (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۵/۹).

با نظر به موارد فوق، به چند نکته می‌توان دست یافت:

الف) واژگان ابتلاء، امتحان و افتنان اگر چه قرابت معنایی با یکدیگر دارند؛ اما هریک از آنها معنای ویژه‌ای دارند که این امر کاربرد هریک را در جای دیگری - بدون توجه به قیود آن جایز نمی‌کند.

ب) فتنه مقدم بر معانی دیگر بوده و نسبت به دیگر واژگان از گستره معنایی وسیع‌تری برخوردار است. بنابراین نمی‌توان واژگان مزبور را به جای فتنه به کار ببریم و هریک را باید در معنای خاص خود استعمال کنیم (یساقی، ۱۳۸۰: ۲۱).

۴. معنای اصطلاحی فتنه:

فتنه امری است که وسیله آزمایش قرار می‌گیرد لذا گاهی به خود امتحان و گاهی به چیزهایی که غالباً با آن ملازم است، مانند شکنجه، آزار، سختی، گرفتاری و عواقب سوء آن مانند گمراهی و شرک نیز گفته شود و در قرآن در همه این معانی استعمال شده است (طباطبائی، بی‌تا: ۸۰/۲). در برخی از تفاسیر نیز چنین آمده است: منظور از فتنه، اختلاف، پراکندگی و تزلزل مبانی عقیده‌ای مسلمانان بر اثر وسوسه‌های شیطان است (مکارم شیرازی، ۳۲۲/۷).

۵. مفهوم قرآنی فتنه با تأکید بر آیه ۷ آل عمران

۵-۱. کفر و شرک:

در روایتی از امام صادق علیه السلام، فتنه در این آیه شریفه به معنای کفر آمده است، چنانکه ابن عباس و مقاتل نیز همین مفهوم را برای آن ذکر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۵۰: ۲۳/۳؛ ابن عباس، بی‌تا: ۴۳؛ شحاته، بی‌تا: ۲۴۱/۱). ربیع،

سدی، ابن زبیر و ابن قتیبه آن را به شرک معنا کرده‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۲/۳) و در تفسیر *روض الجنان*، معنای شرک به مجاهد نیز نسبت داده شده است (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۸: ۱۷۹/۳) برخی از مفسران دیگر نیز به این دیدگاه قائل- اند (سمرقندی، ۱۴۱۳ق: ۱/۲۷۴).

در بررسی معنای مزبور چند نکته قابل ذکر است؛ نخست آنکه، روایت امام صادق علیه السلام تنها در تفسیر *مجمع البیان* آمده است، و در تفاسیر دیگر، این روایت وجود ندارد. دوم آنکه، معنای مزبور از مصادیق ریشه این کلمه- که همان اختلال اضطراب آور است- بوده، نه معنای اصلی آن و نکته سوم آن که مفسران، نتیجه و فرجام معنای فتنه را که غالباً شرک و کفر بوده به عنوان معنای لفظ فتنه برگزیده‌اند. به تعبیر ابن عاشور، تفسیری اینگونه از فتنه، تفسیر به اعتبار مقصود است نه به اعتبار مدلول لفظ، یعنی مدلول لفظ فتنه همان ایجاد اضطراب و جو پر تنش و خوف انگیز است؛ اما مفسران بر اساس مدلول لفظ، این گونه آیات را تفسیر نکرده‌اند، بلکه به مراد و مقصود آن نظر داشته‌اند (یساقی، ۱۳۸۰: ۲۱). نکته دیگری که قابل ذکر است این است که احتمالاً انتساب معنای شرک به مجاهد سهواً ثبت شده باشد؛ زیرا در بسیاری از تفاسیر دیگر، معنای شبهه افکنی از او نقل گردیده است. (ر.ک: سیوطی، ۱۴۱۴ق: ۱۴۸/۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۲/۳؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ۲/۵۹۶)

۵-۲. مال و ثروت:

از جمله معانی‌ای که برای این واژه ذکر کرده‌اند، مال و ثروت است. طبرسی می- نویسد: برای به دست آوردن شرافت و ثروت، از متشابهات پیروی می‌کنند با نظر به اینکه مقصود از این کلمه، مال و ثروت باشد، چنانکه در موارد بسیاری در قرآن خداوند از ثروت به فتنه تعبیر کرده است (طبرسی، ۱۳۵۰: ۲۳۴/۳).

این معنا نیز مانند معنای پیشین یکی از مصادیق فتنه محسوب می‌شود و معنای اصلی نیست. به علاوه، فتنه‌گری‌هایی که در طول تاریخ و با دستاویز قرار دادن آیات متشابه صورت گرفته است، فقط به خاطر دست‌یابی به ثروت نبوده، بلکه اغراض دیگری نیز وجود داشته است. بنابراین معنای مال و ثروت را می‌توان به عنوان یکی از مصادیق فتنه به حساب آورد و یا اگر قائل به گستره معنایی فتنه باشیم، می‌توان معنای مزبور را به عنوان جزئی از آن به حساب آورد.

۵-۳. ضلال و اضلال:

یکی از مفسران معاصر در این باره می‌گوید: «منظور از ابتغاء الفتنه این است که متشابه را دنبال کرده، بخواهند از این طریق مردم را گمراه کنند؛ زیرا کلمه فتنه با کلمه اضلال معنایی نزدیک به هم دارند (طباطبائی، بی‌تا: ۳/۳۵). صاحب تبیان نیز گمراهی از حق را به عنوان یکی از اقوال گفته شده ذکر کرده و می‌گوید: اصل الفتنۃ التخلیص... الذی یتغی الفتنۃ یتغی التخلیص الی الضلال بما یورده من الاشیاء (طوسی، ۱۴۳۱ق: ۲/۳۹۵). فخر رازی گفته است: فتنه در دین به معنای گمراهی از آن است (فخر رازی، ۱۳۸۳: ۸/۳۲۱۴). در بسیاری از تفاسیر دیگر نیز معنای مزبور به عنوان تنها معنای این کلمه یا در کنار معانی دیگر آن ذکر شده است (ر.ک: کاشانی، ۱۳۷۸: ۲/۱۷۶؛ طبرسی، ۱۳۵۰: ج ۳/۲۳۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۸: ۳/۱۷۹).

اگر اصل معنای ضلال و اضلال را-که همان هلاک شدن و هلاک کردن است- در نظر بگیریم (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱/۷۱؛ عسکری، ۱۴۱۲ق: ص ۳۹۶) معنای مزبور به نتیجه فتنه بازمی‌گردد نه خود آن، زیرا سرانجام فتنه و فتنه‌گری هلاکت است؛ اما اگر معانی دیگری که لغت‌شناسان برای این واژه ارائه کرده‌اند را لحاظ کنیم، این دیدگاه به صواب نزدیک می‌شود. معنای واژه ضلال عبارت-

اند از: ضیاع الشيء و ذهابه فی غیر حقه (ابن فارس)، فقدان الرشاد و الدلالة الی المقصود؛ چه در جهت مادی باشد، چه در جهت معنوی (مصطفوی، ۳۷/۷) و انحراف از حق (قرشی، ۱۳۸۶: ۱۹۲/۴). صاحب قاموس می‌افزاید: اینکه بعضی هلاکت و گم شدن و باطل و فضاحت را از معانی ضلال شمرده‌اند، این‌ها لازم معنای اولی است که همان انحراف باشد و در قرآن مجید نیز گاهی به کار رفته است (قرشی، ۱۳۸۶: ۱۹۲/۴).

۴-۵. تکذیب:

از معانی دیگری که برای این واژه ذکر کرده‌اند، تکذیب است که برخی از مفسران آن را به شکل مطلق آورده‌اند. میبیدی در کشف الاسرار می‌گوید: ابتغاء الفتنه التکذیب (میبیدی، ۱۳۷۶: ۲۰/۲) و برخی از مفسران دیگر، متعلقی به آن افزوده و همان معنا را ذکر کرده‌اند، چنانکه کاشانی در تفسیر خود، یکی از معانی آن را تکذیب قرآن ذکر کرده است (کاشانی، ۱۳۷۸: ۱۷۶/۲). معنای تکذیب یا تکذیب قرآن، یکی از مصادیق فتنه و یکی از روشهای فتنه جویی است. بنابراین نمی‌تواند جزء معانی اصلی فتنه قرار بگیرد.

۵-۵. دور کردن مردم از دین با تشکیک و تلبیس:

بسیاری از مفسران در تفاسیر خود این معنا را ذکر کرده‌اند. در تفسیر بیضاوی آمده است: «بیمار دلان از متشابهات پیروی می‌کنند تا با تشکیک، اغفال و باطل کردن محکم با متشابه مردم را از دیشان برگردانند (بیضاوی، بی تا: ۴/۲). در بسیاری از تفاسیر دیگر نیز همین معنا با تفاوت اندکی ذکر شده است (ر.ک: حقی بروسوی، ۱۴۰۸ق: ۲۲۵/۱؛ شبر، ۱۴۰۷ق: ۲۹۵/۱؛ میرزا محمد مشهدی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۱۷؛ نقشبندی، ۱۴۲۵ق: ۱۴/۲؛ طبری، ۱۴۱۵ق: ۲/۲). این دیدگاه با

دیدگاه ضلال و اضلال نزدیک به هم هستند. به عبارت دیگر در این دیدگاه نتیجه همان گمراهی است؛ اما شیوه گمراه کردن نیز بیان گردیده و کامل تر از دیدگاه سوم است.

۵-۶. افساد ذات البین:

معنای دیگر تباه سازی دوستی‌ها و ایجاد اختلاف است. این معنا از زجاج نقل شده است (ابوالفرج جوزی، ۱۴۰۷ق: ۱/۳۰۳). معنای مزبور مانند سایر معانی ذکر شده، از مصادیق فتنه بوده و معنای آن محسوب نمی‌شود. دو معنای دور کردن مردم از دین با تشکیک و تلبیس و افساد ذات البین را می‌توان ذیل مفهوم گسترده اضلال نیز گنجانند.

۵-۷. شبهه و شبهه افکنی:

این معنا به مجاهد، مفسر تابعی بازمی‌گردد و برخی از مفسران نیز آن را در تفاسیر خویش ذکر کرده‌اند (ر.ک: سیوطی، ۱۴۱۴ق: ۲/۱۴۸؛ طبری، ۱۴۱۵ق: ۲/۲۱۷). معنای «شبهه افکنی» نیز مانند معنای افساد ذات البین از مصادیق ظلم به حساب می‌آید و در دامنه معنای آن قرار می‌گیرد.

بعضی از مفسران معانی دیگری نیز برای آن ذکر کرده‌اند. سمرقندی می‌نویسد: *تحتمل الفتنة المحنة ای یمتحنون اهل الاسلام* (سمرقندی، ۱۴۲۵ق: ۱/۲۴۸). ستم کردن بر مردم نیز معنای دیگری است که از سوی برخی ابراز شده است (مدرسی، ۱۳۷۷: ۱/۴۸۱).

فتنه در اصل لغت به معنای قرار دادن طلا و نقره در آتش، برای تعیین میزان خالصی و ناخالصی آن است. معانی مختلفی مانند اختبار و آزمایش، ابتلاء و امتحان، اضلال، عذاب، شرک و ... برای این واژه ذکر شده است؛ اما این معانی، از معانی اصل فتنه نیستند، بلکه از مصادیق آنند. در تمام معانی فتنه، مفهوم اختلال اضطراب آور نهفته است و بنابر دیدگاه‌های مطرح شده و با پیوند زدن آنها به یکدیگر می‌توان معنایی اینگونه از آن ارائه داد: بیمار دلان می‌خواهند از طریق ایجاد شبهه، تشکیک، تکذیب، اختلاف و تلبیس آیات محکم را به وسیله متشابهات باطل سازند تا مردم را اغفال کنند و آنان را از دین و عقائدشان برگردانده، به گمراهی بکشانند.

منابع:

قرآن مجید.

۱. ابن سلیمان، مقاتل، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، بیروت-لبنان: موسسه التاريخ العربی، بی‌تا.
۲. ابن عباس، عبدالله، المقیاس من تفسیر ابن عباس، بیروت-لبنان: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقائیس اللغه، بی‌جا: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۹۴ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت-لبنان: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۵. ازهری، ابی منصور، معجم التهذیب اللغه، بیروت-لبنان: دار المعرفه، ۱۴۲۲ق.
۶. بیضاوی، ناصر الدین ابوسعید، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: دار الصادر، بی‌تا.
۷. ثعلبی، ابواسحاق، الکشف والبیان، بیروت-لبنان: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۸. الجوزی، ابوالفرج علی بن محمد، زاد المسیر، بیروت-لبنان: دار الفکر، ۱۴۰۷ق.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغه، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت-لبنان: دارالعلم للملایین، ۱۳۹۹ق.

۱۰. حقی بروسوی، اسماعیل، روح البیان، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
۱۱. خسروی، غلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴.
۱۲. رازی، ابوالفتح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح: محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
۱۳. رازی، ابن ابی حاتم، تفسیر ابن ابی حاتم، مکه: مکتبه نزار مصطفی البار، ۱۴۱۹ق.
۱۴. راغب اصفهانی، محمد بن حسین، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: خلیل عیتانی، بیروت-لبنان: دار المعرفه، ۱۴۱۸ق.
۱۵. سمرقندی، ابولیت نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی، بیروت-لبنان: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق.
۱۶. سیوطی، جلال الدین، درالمنثور فی التفسیر المأثور، بیروت-لبنان: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۷. شبر، سید عبدالله، تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار البلاغه للطباعه و النشر، ۱۴۰۷ق.
۱۸. شعرانی، ابوالحسن، نثر طوبی، تهران: کتابفروشی اسلامی، بی تا.
۱۹. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، مترجم: محمد باقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
۲۰. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، مترجم: محمد تقی مصباح یزدی، بی جا: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، بی تا.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، بیروت-لبنان: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۲۲. طبری، ابن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۵ق.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت-لبنان: الأمیره، ۱۴۳۱ق.
۲۴. الطریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، قم: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۶ق.
۲۵. عسکری، ابوهلال، معجم الفروق اللغویه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
۲۶. فخر رازی، مفاتیح الغیب، مترجم: علی اصغر حلبی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۳.
۲۷. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت-لبنان: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۲۸. الفیومی، علی المقرئ، مصباح المثیر، قم: دار الهجره، ۱۴۰۵ق.

۲۹. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
۳۰. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۳۱. کاشانی، فتح الله، منهج الصادقین، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
۳۲. ماتریدی سمرقندی، ابی منصور، تأویلات اهل السنه، بیروت-لبنان: مؤسسه الرساله، ۱۴۲۵ق.
۳۳. مدرسی، محمد تقی، من هدی القرآن، مترجم: احمد آرام، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
۳۴. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ایران: وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، ۱۳۶۸.
۳۵. مفتاح، محمد، ترجمه مجمع البیان، تهران: مؤسسه انتشارات فراهانی، ۱۳۵۰.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
۳۷. میدی، رشید الدین، کشف الاسرار و عده الابرار، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۶.
۳۸. مظهری نقشبندی، محمد، تفسیر مظهری، بیروت-لبنان: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۵ق.
۳۹. یساقی، علی اصغر، فتنه از نگاه قرآن و حدیث، تهران: نشر تاریخ و فرهنگ، ۱۳۸۰.